

The level and comparison of ethnic identity and national identity in Turkmen and Sistani ethnic groups of Golestan province

Zeinab Hashemikhah¹, Sajad Amoozadkhalili², Jalil Dara³

DOI: [10.48308/piaj.2024.234900.1505](https://doi.org/10.48308/piaj.2024.234900.1505) Received: 2024/2/24 Accepted: 2024/10/19

Original Article

Extended Abstract

Introduction: Most nations and countries around the world do not have a homogeneous population composition and are characterized by ethnic diversity and plurality. Ethnic identity is considered one of the intermediate identities in the modern era, positioned above individual identity and below national identity. As such, this identity shares common elements with national identity, such as culture, history, location, language, race, religion, and more. Ethnicity is a complex issue in various countries, and those with social and ethnic diversity experience numerous challenges. Iran, too, is a multi-ethnic society that includes different cultural, linguistic, and religious groups. In such societies, the paramount importance lies in fostering and strengthening national cohesion while preserving the diversity and variety seen across different ethnic groups.

Methods: To examine these two elements, this study adopts a quantitative approach using survey analysis. The statistical population comprises 299 Turkmen and 127 Sistani people residing in various cities in Golestan Province. Both ethnic groups were drawn from nine clans, and the questionnaires were distributed in proportion to their population. The data were analyzed at two levels: descriptive and inferential. At the descriptive level, frequency distribution and averages were used, and at the inferential level, Pearson's correlation coefficient and the T-test were applied. Additionally, theories of modernization, relative deprivation, and identity categorization were employed as the

1. Sociology postdoctoral researcher in the Department of Sociology, Mazandaran University, Babolsar, Iran. hashemikhahzeinab@gmail.com (Corresponding Author)

2. PhD Candidate in political science in the political science department of Mazandaran University, Babolsar, Iran. s.amoozad74@gmail.com

3. Associate Professor of Political Science, Faculty of Political Science, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. j.dara@modares.ir



theoretical framework.

Results and Discussion: The data reveal similarities and differences between the Turkmen and Sistani people of Golestan Province concerning dimensions of ethnic identity and national identity. In other words, while ethnic tendencies among these two groups are not particularly strong, they are above average. However, in comparison, the statistics indicate that the level of attachment to both national and ethnic identities among the Turkmen of Golestan is above average. Moreover, a significant difference is observed between ethnic and national identity tendencies, with the average inclination toward ethnic identity being higher than that toward national identity among the Turkmen. Regarding the Sistani people, the statistics similarly show that the level of attachment to both national and ethnic identities is above average. However, in comparison, a significant difference exists between the two, with the average inclination toward national identity being higher than that toward ethnic identity among the Sistani people. Overall, the findings point to a relative lack of knowledge regarding historical dimensions among these groups, highlighting an educational gap in relevant fields. Furthermore, structural limitations in the representation and reevaluation of identity, alongside the dominance of mainstream culture, have led to a sense of indifference and negligence among the ethnic groups, especially smaller ones, in preserving and presenting their own ethnic history, which in part stems from ethnic isolation.

Conclusion: In light of cognitive, emotional, and value-based elements, there is a need for ethnic reevaluation among these groups to preserve ethnic diversity. On the other hand, social deprivation and gaps viewed through ethnic lenses could spark ethnic conflicts and tensions. Addressing this issue through equitable provision of social rights can not only serve as a barrier against feelings of discrimination, dissatisfaction, and the resulting ethnic tensions, but also strengthen ethnic harmony and cohesion within the broader Iranian society.

Keywords: Turkmen people, Sistani people, ethnic identity, national identity, comparison.

Citation: Hashemikhah, Zeinab & Amoozadkhalili, Sajad & Dara, Jalil. 2024. The level and comparison of ethnic identity and national identity in Turkmen and Sistani ethnic groups of Golestan province, *Political and International Approaches*, Autumn, Vol 16, No 3, PP 169-192.



میزان و مقایسه هویت قومی و هویت ملی در اقوام ترکمن و سیستانی استان گلستان

زینب هاشمی خواه^۱، سجاد عموزاد خلیلی^۲ و جلیل دارا^۳

DOI: [10.48308/pijaj.2024.234900.1505](https://doi.org/10.48308/pijaj.2024.234900.1505)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۷/۲۸

مقاله پژوهشی

چکیده مبسوط

مقدمه و اهداف: اکثر ملت‌ها و کشورهای جهان از ترکیب جمعیتی یکسانی برخوردار نیستند و دارای تنوع و تکثر قومی می‌باشند. هویت قومی از هویت‌های میانی در عصر جدید به شمار می‌آید که فراتر از هویت فردی و فروتر از هویت ملی قرار دارد. از همین رو، این هویت دارای عناصر مشترکی از قبیل فرهنگ، تاریخ، مکان، زبان، نژاد، مذهب و ... با هویت ملی می‌باشد. مسأله قومیت یکی از مسائل بگرنج در کشورهای گوناگون می‌باشد و کشورهایی که تنوعات اجتماعی و قومی دارند چالش‌های متعددی را تجربه می‌کنند. ایران نیز جامعه کثیرالقومی است که گروه‌های فرهنگی، زبانی و مذهبی گوناگون را در خود جای داده است. آنچه در این گونه جوامع اهمیت فوق‌العاده دارد، ایجاد و تقویت همبستگی ملی و در عین حال حفظ تنوع و گوناگونی است که در عرصه‌های مختلف در اقوام دیده می‌شود.

روش‌ها: جهت بررسی دو امر یاد شده پژوهش حاضر در چارچوب روش کمی و با تحلیل پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری ۲۹۹ نفر از مردمان ترکمن و ۱۲۷ نفر از مردمان سیستانی در شهرهای مختلف استان گلستان می‌باشد. هر دو قوم از ۹ طایفه می‌باشند که به توازن جمعیتی، پرسشنامه‌ها تکمیل شده است. داده‌ها در دو سطح توصیفی و استنباطی تحلیل گردید که در سطح توصیفی؛ توزیع فراوانی و میانگین و در سطح استنباطی؛ از ضریب همبستگی پیرسون و آزمون تی استفاده شد. همچنین از نظریات نوسازی، محرومیت نسبی، مقوله‌بندی هویتی، به مثابه چارچوب نظری بهره گرفته شد.

یافته‌ها: داده‌ها نشان می‌دهد در ابعاد هویت قومی و هویت ملی تشابه و تفاوت‌هایی بین ترکمن‌ها و سیستانی‌های

۱. پژوهشگر پس‌ادکتری گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابل‌سر، ایران. mikhahzeinab@gmail.com (نویسنده مسئول)

۲. دانش‌آموخته دکتری گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابل‌سر، ایران. zad74@gmail.com

۳. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. j.dara@modares.ir

استان گلستان دیده می‌شود. به عبارتی گرایش‌های قومی در بین این دو قوم گرچه چندان قوی نبوده ولی بیشتر از متوسط می‌باشد. اما در یک مقایسه، آمارها گویای آن است که میزان گرایش به هویت ملی و هویت قومی در بین ترکمن‌های استان گلستان بیشتر از متوسط بوده است. از طرفی در یک مقایسه، بین گرایش به هویت قومی و هویت ملی تفاوت معنی‌داری وجود دارد و میانگین گرایش به هویت قومی بین این قوم بیش‌تر از گرایش به هویت ملی است. در خصوص سیستمی‌ها نیز این آمارها نشان می‌دهد میزان گرایش به هویت ملی و هویت قومی در بین سیستمی‌های استان گلستان بیشتر از متوسط بوده است. ضمن آنکه در یک مقایسه، بین گرایش به هویت قومی و هویت ملی تفاوت معنی‌داری وجود دارد و میانگین گرایش به هویت ملی بین این اقوام بیش‌تر از گرایش به هویت قومی است. در کل نتایج نشان از ضعف نسبی شناخت ابعاد تاریخ بین این مردمان می‌باشد که این مسأله خلاء آموزشی در حوزه‌های مربوطه را برای این اقوام عیان می‌سازد. ضمن آنکه محدودیت‌های ساختاری در معرفی و بازخوانی هویتی و سلطه فرهنگ کلان، اقوام (خصوصاً اقوام کم جمعیت) را در یک بی‌میلی و بی‌توجهی به حفظ و معرفی تاریخ قومی خود که به نوعی ناشی از انزوای قومی می‌باشد نشانده است.

نتیجه گیری: در پرتو عناصر شناختی، احساسی و ارزشی و در راستای حفظ تنوعات قومی می‌بایست بازخوانی قومیتی برای این اقوام صورت گیرد. از طرفی محرومیت‌ها و شکاف‌های اجتماعی در پرتو نگرش‌های قومی می‌تواند ستیزه‌ها و تنش‌های قومی را برانگیزد که این مهم نیز با بستر مندی عادلانه حقوق اجتماعی، نه تنها سدی بر احساس تبعیض و نارضایتی و تنش‌های قومی منبث از آن می‌تواند باشد، بلکه همسویی و هم‌نوایی قومی را در جامعه کلان ایران تقویت خواهد کرد.

واژگان کلیدی: قوم ترکمن، قوم سیستمی، هویت قومی، هویت ملی، مقایسه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

استناددهی: هاشمی خواه، زینب و عموزاد خلیلی، سجاد و دارا، جلیل. ۱۴۰۳. میزان و مقایسه هویت قومی و هویت ملی در اقوام ترکمن و سیستمی استان گلستان، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، پاییز، سال ۱۶، شماره ۳، ۱۶۹-۱۹۲.



۱. مقدمه

اکثر ملت‌ها و کشورهای جهان از ترکیب جمعیتی یکسانی برخوردار نیستند و دارای تنوع و تکثر قومی می‌باشند. اهمیت هویت ملی در پرتو اقوام و اقلیت‌ها خصوصاً در کشورهای دارای تنوع قومی و فرهنگی، توجه محققان داخلی و خارجی را به خود جلب کرده و تحقیقات متعددی در این حوزه به نگارش درآمده است. محققین در این تحقیقات به وضعیت کاهشی یا افزایشی هویت قومی و هویت ملی و همچنین قیاس‌های این دو توجه داشته و با رویکردهای متفاوت آن را به بررسی نشانده‌اند. در بین استان‌های ایران استان گلستان به لحاظ ترکیب جمعیتی اقوام بسیاری را در خود جای داده است. در این منطقه اقوامی نظیر ترک، کرد، بلوچ، ترکمن، سیستانی و... با فرهنگ‌های مختلف خاص خود در کنار هم زندگی می‌کنند. حدود ۶۰ درصد استان گلستان اهل تشیع و نزدیک ۴۰ درصد اهل تسنن را تشکیل می‌دهند. اهل تشیع متشکل از تمامی گروه‌های فارس‌زبان اعم از سیستانی، بومیان و ترک می‌باشند و اهل تسنن را تمام گروه‌های ترکمن، قزاق و بلوچ تشکیل می‌دهند.

قوم ترکمن در قلمروهای متعددی پراکنده‌اند. آنها غیر از کشور ترکمنستان که زیستگاه اصلی شان به شمار می‌آید در کشورهای ایران، چین، افغانستان، ترکیه و عراق ساکن‌اند. ترکمن‌های ایران در استان گلستان در سرزمینی واقع در بین دو رود اترک و قره‌سو و در استان خراسان شمالی و رضوی در بخش‌های قوچان، بجنورد و سرخس زندگی می‌کنند. اکثریت ترکمن‌های ایران در استان گلستان ساکن‌اند. ترکمن‌ها از دیرباز در استان گلستان می‌زیسته‌اند و زمان مهاجرت آن‌ها به دشت‌های استان گلستان به طور تقریبی به قرن نهم هجری برمی‌گردد. در زمان تیموریان، آق‌قویونلوها و قراقویونلوها، آرام آرام ترکمن‌ها به سکونتگاه‌های فعلی خود کوچ کرده و در آنجا سکنی گزیده‌اند و این منطقه به مرور زمان به سبب حضور این دو قوم، ترکمن صحرا نامیده شده است. طوایف ترکمن به ۹ دسته؛ یموت، تکه، قره، ساریق، گوگلان، سالور، آل علی، ارساری و چاودر، تقسیم می‌شوند. ترکمن‌های ایران اکثراً از سه طایفه یموت، گوگلان و تکه بوده و در این بین یموت‌ها بیشترین جمعیت را دارا هستند (گلی، ۱۳۶۶: ۲۱۰). جمعیت ترکمن‌ها بیش از ۳۳ درصد ساکنین استان گلستان را شامل می‌شود و تراکم جمعیت آن‌ها بیشتر در کناره‌های مرزی در شهرهای بندر ترکمن (۸۵ درصد)، آق‌قلا (۹۸ درصد)، کلاله (۵۵ درصد)، مینودشت (۴۰ درصد)، گمیشان (۱۰۰ درصد)، می‌باشد. مابقی به تعداد کمی در شهرهای گرگان به عنوان مرکز استان گلستان زندگی می‌کنند که از لحاظ دین، مسلمان و حنفی مذهب می‌باشند.

مهاجرت سیستانی‌های ساکن استان گلستان نیز در فاصله سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۵۰ به اوج خود رسید. این مهاجرت به دشت گرگان از عوامل مختلفی نشأت گرفت که در رأس آن وضعیت هیرمند و هامون بود. به دنبال مطالعاتی (نظری، ۱۳۶۷: ۱۶۴) که در این زمینه صورت گرفته مهاجرت بر اثر سیل کمتر اتفاق افتاده و تغییر سکونت بیشتر بر اثر خشکسالی و به دنبال آن وضعیت اقتصادی ناهنجار بوده است. سیستانی‌ها در استان گلستان از شهرستان بندر گز در شرق تا ناحیه مراوه تپه در غرب پراکنده شده‌اند. اکثر مردم قوم سیستانی استان گلستان، شیعه مذهب و متشکل از ۹ طایفه؛ خمر(خمبر)، جهان تیغ، سارانی، بزی، حمزه دهی، اربابی، کیخواه، شهرکی و پودینه می‌باشند و عمدتاً در شرق استان گلستان ساکن هستند. از

مهمترین شهرهای سیستانی نشین استان گلستان می‌توان به آزادشهر، گرگان، گالیکش و مراوه تپه اشاره نمود اما تنها شهر مخصوص سیستانی‌ها روستایی به نام زابل آباد نزدیک شهر تاریخی گنبد می‌باشد که به تازگی تبدیل به شهر شده است. در حال حاضر سیستانی‌های استان گلستان تقریباً با ۱۵ درصد، ۲۵ درصد جمعیت این استان را در بر می‌گیرد و بعد از فارس زبانان و ترکمن‌ها سومین گروه از لحاظ جمعیتی به شمار می‌روند.

اگرچه قوم ترکمن با ۲ درصد جمعیت و قوم سیستانی با ۱/۸ درصد از اقلیت‌های قومی در سرزمین ایران محسوب می‌شوند و پراکندگی چندانی ندارند، اما قرن‌ها تاریخ مشترک و آمیخته با سایر ایرانیان داشته و فراز و نشیب‌های بسیاری در این تعامل همیشگی تجربه کرده‌اند که گاه نزاع بوده و گاه با اتحاد و همدلی و مبارزه علیه بیگانگان همراه گشته است. ضمن آنکه این اقوام تفاوت‌های آشکاری از لحاظ فرهنگی، نژادی و مذهبی با بدنه اصلی جامعه دارند و وجود چنین تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای سؤال‌هایی را در خصوص قومیت و ملی‌گرایی این اقوام در ذهن ایجاد می‌کند. لذا با توجه به اهمیت اقوام در تقویت و اتحاد ملی و همچنین طایفه‌های متعدد این دو قوم به مثابه سرمایه‌های ارزشمند اجتماعی، ارزیابی جنبه‌های هویتی این دو قوم ضرورت دارد. ضمن آنکه استان گلستان به مثابه استانی که تکثر و تنوع قومی و مذهبی در آن نمود بیشتری دارد و نیز با توجه به موقعیت جغرافیایی استان و نزدیکی به مرز، خطرات مداخلات بین‌المللی و منطقه‌ای را در خود دارد اهمیت مسأله دو چندان می‌شود. لذا در این تحقیق به جهت شناخت و شناسایی بیشتر این دو قوم، در پی بررسی ابعاد مختلف هویت قومی و همچنین شناسایی شاخص‌ها و میزان هویت ملی و نیز مقایسه این دو هویت در آنان می‌باشیم. از این رو همسو با اهداف پژوهش فرضیاتی به شرح ذیل طرح شده است؛

- بین سن، درآمد، هزینه و تحصیلات با گرایش به هویت قومی / ملی مردمان ترکمن و سیستانی رابطه وجود دارد.
- بین میانگین گرایش به هویت قومی / ملی بر حسب جنسیت، محل سکونت و وضعیت تأهل در بین مردمان ترکمن و سیستانی تفاوت وجود دارد.
- میانگین گرایش به هویت قومی / ملی در بین ترکمن‌ها و سیستانی‌های استان گلستان تفاوت وجود دارد.

۲. پیشینه پژوهش

در میان تحقیقات برخی محققین به بررسی هویت قومی در بین اقوام به طور خاص پرداخته و برخی دیگر بررسی تطبیقی هویت قومی و هویت ملی و تأثیر این دو بر یکدیگر را مورد توجه قرار داده‌اند. ضمن آنکه محققینی نیز با نگاه‌های تاریخی به بررسی تحولات قومی و ریشه تاریخی این تحولات به طور کلی نظر داشته‌اند. در این راستا نگاهی بر تحقیقات داخلی و خارجی خواهیم انداخت؛

۱.۲. تحقیقات داخلی

جلالی (۱۳۹۷)، به بررسی تطبیقی هویت قومی و هویت ملی در میان دانش‌آموزان ترک و آذری زبان در شهرستان میاندوآب پرداخته است. این محقق به دنبال آن بوده که دریابد آیا پیوند ضعیف بین این دو قوم سبب انسجام ملی می‌شود یا نه. در نهایت پژوهشگر به این نتیجه می‌رسد که اگر ارتباط بین این دو قوم افزایش یابد هویت ملی تقویت می‌شود و بالعکس. از طرفی چلبی (۱۳۹۷)، در چارچوب یک پیمایش ملی با عنوان هویت قومی و رابطه آن با هویت ملی به این نتیجه دست یافت که دلبستگی ترک آذری‌ها به زبان فارسی به عنوان زبان ملی و دلبستگی کردها به دولت جمهوری اسلامی ایران به عنوان دولت ملی، کمتر از سایر اقوام است. محمدزاده و خانی (۱۳۹۶)، نیز به بررسی زمینه‌هایی تاریخی و اجتماعی مؤثر بر شکاف قومی در ایران پرداخته‌اند.

این دو پژوهشگر بعد از بررسی اسناد و مدارک به این نتیجه رسیدند که شکاف قومی در فرایند تاریخی در میان اقوام ایرانی فعال بوده و مواردی چون؛ تشکیل دولت متجدد و مرکزگرا، ملت‌سازی ناقص و ایجاد نابرابری قومی در ابعاد سیاسی و اجتماعی - فرهنگی و همچنین احساس تبعیض قومی که در این فعال شدن بسیار بیشتر از عوامل دیگر مؤثر بوده است، نقش پر جسته‌ای داشته‌اند. گوردز (۱۳۹۳)، نیز در رساله خود به بررسی وضعیت شکاف قومی و مذهبی در منطقه غرب کشور (کرمانشاه و کردستان) و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. او با روش توصیفی و تحلیلی و همچنین تحلیل ثانویه یافته‌هایی پژوهش‌های پیشین در پی بررسی تاثیر شکاف قومی و مذهبی در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بوده است. نهایتاً محقق به این مسأله پی می‌برد که تراکم شکاف قومی و مذهبی در منطقه کردنشین غرب کشور می‌تواند به خودی خود تضعیف در ساختار امنیت ملی را در پی داشته باشد.

۲.۲. تحقیقات خارجی

محققین خارجی نیز با نظر به مباحث هویتی ملی - قومی پژوهش‌هایی انجام داده‌اند. به عنوان نمونه، (Drake:2019) در پژوهشی به همگرایی ملی در اندونزی و به تأثیر نامساعد تجربیات تاریخی و سیاسی، ابعاد فرهنگی و اجتماعی، ابعاد اقتصادی، ابعاد اثر متقابل، الگوهای فضایی و مسؤولیت دولت در قبال تحقق همگرایی ملی به چشم‌انداز همگرایی ملی در این کشور پرداخته است. در نهایت این محقق به این نتیجه دست یافت که مسؤولیت دولت در قبال تحقق همگرایی، بر همگرایی ملی مؤثر می‌باشد. که در این خصوص کی و نی، به نقش رسانه توجه دارد و با موضوعیت بازتاب روند همگرایی ملی و نقش رسانه‌ها در مالزی، بیان می‌کند، همگرایی ملی روندی است که از زمان استقلال مالزی همواره در این کشور مورد توجه بوده است و با توجه به نتایج پژوهش خود اذعان دارد؛ رسانه‌ها نقش مهمی در تقویت این روند به ویژه در انتشار سیاست‌های دولت دارند (Kee & Nie: 2017).

شاه و ایشاکو، نیز در پژوهشی، چالش‌های همگرایی ملی و پاسخ استراتژیک پاکستان را بررسی کرد. محقق در نهایت جهت دستیابی به همگرایی ملی پاکستان به این نتایج رسید؛ ۱- ایجاد سیستم آموزشی کارآمد که قادر باشد فرصت برابر برای همه افراد ساکن این سرزمین فراهم کند. ۲- ایجاد زبان واحد که

بتواند به یکپارچگی ملی کمک کند. ۳- مدارا و پذیرش یکدیگر بدون توجه به تعصبات قومی، فرهنگی، زبانی و مذهبی یا فرقه‌ای که بتواند به همبستگی ملی و ثبات سیاسی و اقتصادی منجر شود (Shah & Ishaque: 2017). همچنین ساباتیر، در مطالعه‌ای هویت قومی و هویت ملی میان جوانان نسل دومی مهاجر فرانسه را بررسی کرد. در این راستا دو عنصر زمینه‌های اجتماعی و خانواده در ارتباط با هویت فرهنگی، بر اساس دو جهت گیری قومی و ملی با دو عنصر تصدیق و اکتشاف مورد توجه قرار گرفته‌اند. در این تحقیق تمامی لایه‌های اجتماعی مانند گروه دوستان و درک تبعیض‌های اجتماعی در ارتباط با جنبه‌های هویتی قومی و ملی مهم دیده شدند اما والدین قوی‌ترین تاثیر را در این زمینه نشان دادند (Sabatier: 2008). با نظر به تلاش‌های ارزشمند محققین پیشین و بهره از تجربیات علمی آنان، در پژوهش حاضر قصد داریم اقوام ترکمن ایرانی (در استان گلستان) را مورد بررسی قرار دهیم و با درک بهتر و شناخت دقیق‌تر این قوم نه تنها تعلقات قومیتی آنان را دریابیم، بلکه موقعیت آنان را در ساختار کلی جامعه و سنجش میزان دلبستگی آنان به ملیت و کشورشان جویا شویم.

۳. چارچوب نظری

مباحث نظری که در تبیین رویکردی تحقیق حاضر می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد در مرتبه اول نظریه نوسازی است. نظریه نوسازی، به دو دسته تقسیم می‌شود؛ اول نظریه‌پردازانی که به تاثیر نوسازی بر کاهش هویت قومی اشاره می‌کنند و دوم نظریه‌هایی که بر تاثیر نوسازی بر افزایش هویت قومی توجه دارد. در نوع اول نظریه‌پردازانی مانند کارل دویچ، کلیفورد گیرنز و مک کورمک به تاثیر نوسازی بر کاهش هویت قومی با مثبت خواندن نقش عناصر مدرنیته بر فرایند رو به کاهش ستیزه‌های قومی تاکید ورزیده‌اند که از این منظر بحث مربوطه به مذاقه گذاشته خواهد شد. رویکرد دیگر نظریه محرومیت نسبی است که به انتظارات ارزشی فرد به مثابه هویت فردی در قیاس با وضعیت موجود اجتماعی توجه کرده و ارتباط آن را با هویت قومی و اجحاف ساختاری نسبت به آن، مورد توجه قرار داده است. در نهایت نظریه مقوله‌بندی هویتی، هنری تاجفل، تبیین گر مباحث تحقیق حاضر می‌باشد که براساس این نظریه هویت افراد متناسب با عضویت آنان در گروه‌های خاص توجیه می‌شود و آنان بدنبال این حس هویت به صورت خودبخودی، گروه خود را برتر از سایر گروه‌ها می‌شمارند.

۱.۳. در شرح بیشتر نظریات اشاره شده باید گفت؛ نظریه نوسازی معتقد است فرایند مدرنیته به گونه‌ای نگرش‌های قومی را محدود و تضعیف می‌گرداند. این نظریه‌پردازان معتقدند تحت تاثیر فرایند مدرنیته «سنت‌ها و تعهدات جمعی و دیگر عناصر هویت‌بخش محدود، مانند ملیت و قومیت جایگاه و اهمیت خود را از دست می‌دهند و نفوذپذیری مرزها بین اجتماعات مختلف افزایش می‌یابد. در این معنا موارد مثبت مدرنیته مردم و ملل مختلف جهان را به یکدیگر نزدیک کرده و جهان را به یک دهکده کوچک تبدیل کرده است. مثل افزایش چگالی روابط دول و بین‌الملل، گسترش ارتباطات جمعی و وسایل حمل و نقل، مجازی شدن روابط در سطح بین‌الملل، گسترش آموزش رسمی و افزایش سطح سواد در جهان، آشنایی مردم جهان با آداب و رسوم و تاریخ و فرهنگ ملل مختلف، افزایش عام‌گرایی در سطح جهان، تعمیم

گرایش فضایی، گسترش شاهراه‌های اطلاعاتی و سهولت دسترسی به آنها در اکناف جهان و غیره (چلبی، ۱۳۸۲: ۳۰۸). بدین سان گسترش شبکه‌های جهانی رایانه‌ای و ماهواره‌ای و افزایش تعاملات هویت‌های فرهنگی، جملگی موجب ارتباط فزاینده فرهنگ‌های بومی گوناگون و رشد آنها و در نتیجه تحقق هویت بشری فراملی می‌شود. لذا نوسازی جهان را به صورت شبکه‌ای واحد از روابط اجتماعی در آورده که جریانی از معانی بشری را در میان مناطق مختلف برقرار کرده است (دهشیری، ۱۳۷۹: ۷۹). چنین شرایطی نگاه‌های قومی را به مثابه نگرشی محدود و خرد کم‌رنگ ساخته است.

۲.۳. نظریه محرومیت نسبی تد رابرت گر، نیز برآن است، احساس محرومیت نسبی در شرایط وجود شکاف میان انتظارات ارزشی و توانایی‌های ارزشی محیط بر پاسخگویی به آن انتظارات ظاهر می‌شود. از نظر گر، شروط اولیه لازم برای ستیز خشونت‌بار مدنی، وجود محرومیت نسبی در میان تعداد چشمگیری از افراد اجتماع است و هر چه محرومیت نسبی شدت بیشتری داشته باشد شدت خشونت مدنی افزایش پیدا می‌کند. او معتقد است هویت قومی زمانی اهمیت خود را می‌یابد که افراد یک گروه قومی به واسطه تعلقاتشان به آن گروه احساس کنند رفتار تبعیض‌آمیز در مقایسه با گروه‌های قومی دیگر دریافت می‌کنند. این احساس نه تنها در زمان از بین رفتن امتیازات (اقتصادی و اجتماعی و...)، بلکه زمانی بر شدت آن افزوده می‌شود که انتظارات گروه‌هایی که مورد تبعیض قرار گرفتن رو به فزونی می‌گذارد. به عقیده گر زمانی که تعداد زیادی از یک گروه قومی هم زمان این احساس در آنها شکل بگیرد شرایط برای آغاز یک خشونت سریع و ناگهانی علیه گروه دیگر فراهم می‌شود. میراث تاریخی ناشی از بی‌اعتمادی و ذهنیت قربانی شدن باعث افزایش این احساس محرومیت می‌گردد. لذا با توجه به این نظریه شرایط نامساعد و بی‌توجهی به انتظارات اقوام محتمل است خشونت و تنش مدنی را ایجاد کند (مرشدی‌زاده، ۱۳۷۸: ۲۷).

۳.۳. همچنین تاجفل هویت را به عنوان چیزی که در درون یک گروه و مقوله جاسازی شده است می‌بیند. این نظریه درصدد اثبات این قضیه است که افراد در بسیاری موارد سعی می‌کنند خود را با مشخصه‌های اجتماعی مقوله‌بندی کنند و نه مشخصه‌های شخصی و همین موضوع یعنی مقوله‌بندی فرد با مشخصه‌های اجتماعی باعث ایجاد درون گروه مشابه و برون گروه متفاوت می‌شود. قضیه کانونی نظریه مقوله‌بندی تاجفل این است که مردم خودشان را بیشتر به عنوان عضو گروه‌های اجتماعی و کمتر به عنوان اشخاص فردی، بیشتر تحت عنوان هویت اجتماعی و کمتر تحت عنوان هویت فردی طبقه‌بندی و مقوله‌بندی کنند. هویت در این نظریه براساس احساس تعلق تعریف می‌شود. یعنی فرد آنهایی را که به آن تعلق دارد بعنوان درون گروه و آنهایی را که بدانها متعلق نیست تحت عنوان برون گروه می‌شناسد. تعصبی که در این راه به خرج داده می‌شود، باعث جستجوی هویت اجتماعی مثبت و حفظ این هویت می‌شود.

تشکیل هویت‌های اجتماعی بر پایه مقایسه‌هایی شکل می‌گیرد که آن فرد میان گروه‌های تعلق خود و گروه‌های دیگری که برای او قابل مقایسه به حساب می‌آیند، انجام می‌دهد و لذا برای اینکه هویت اجتماعی مثبت باشد، نتایج این مقایسه‌ها باید به نفع گروه تعلق فرد باشد. بنابراین تاجفل هویت اجتماعی را با عضویت گروهی پیوند می‌زند و آن را متشکل از سه عنصر می‌داند: عنصر شناختی (آگاهی

از اینکه، فرد به يك گروه تعلق دارد)، عنصر احساسی (احساسات نسبت به گروه و نسبت به افراد دیگری که رابطه‌ای خاص با آن گروه دارند) و عنصر ارزشی (فرضیاتی درباره پيامدهای ارزشی مثبت یا منفی عضویت گروهی). براین اساس هویت اجتماعی از دیدگاه تاجفل عبارت است از آن بخش از برداشت يك فرد از خود که از آگاهی او نسبت به عضویت در گروه (گروه‌های) اجتماعی همراه با اهمیت ارزشی و احساسی منضم به آن عضویت سرچشمه می‌گیرد (دوران، ۱۳۸۵: ۱۱۵). از این رو مبتنی بر این نظر تعریف هویت ملی یا قومی افراد جامعه را با معرفی خود به عنوان عضویت در ساختار ملی یا چارچوب قومیتی بر محوریت سه عنصر، احساسی، شناختی و ارزشی به مذاقه می‌نشانیم.

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر در چارچوب روش کمی و با استفاده از روش پیمایشی انجام شده و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بوده است. جامعه آماری ۲۹۹ نفر از مردمان ترکمن و ۱۲۷ نفر از مردمان سیستانی در شهرهای مختلف استان گلستان می‌باشد. هر دو قوم متشکل از ۹ طایفه می‌باشند که به توازن جمعیتی طویف، پرسشنامه‌ها بین آنان تقسیم گردید. داده‌های این تحقیق در دو سطح توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته که در سطح توصیفی؛ توزیع فراوانی و میانگین و در سطح استنباطی؛ از ضریب همبستگی پیرسون و آزمون تی استفاده شده است.

۵. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش در دو سطح توصیفی و استنباطی تحلیل شده است که همراه با جداول مربوطه به ترتیب در ذیل اشاره خواهد شد.

۱.۵. یافته‌های توصیفی

در قسمت توصیفی علاوه بر فراوانی پاسخگویان بر حسب قومیت، مشخصات فردی آنان از جمله؛ جنس، وضعیت تأهل، محل سکونت، سن، تحصیلات، درآمد و هزینه مورد بررسی قرار گرفته است که در سه جدول نمایش داده می‌شود.

جدول (۱)، توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب قومیت

قومیت	فراوانی	درصد	درصدمعتبر
ترکمن	۲۹۹	۷۰/۲	۷۰/۲
سیستانی	۱۲۷	۲۹/۸	۲۹/۸
جمع	۴۲۶	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰

جدول (۱)، با توجه به یافته‌های پژوهش، ۷۰/۲ درصد پاسخگویان، ترکمن و ۲۹/۸ درصد آنها سیستانی هستند.

جدول (۲)، توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنس، وضعیت تأهل و محل سکونت

کل		سیستانی		ترکمن		متغیرها
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
جنس						
۵۲/۱	۲۲۲	۴۵/۷	۵۸	۵۴/۸	۱۶۴	مرد
۴۷/۹	۲۰۴	۵۴/۳	۶۹	۴۵/۲	۱۳۵	زن
۱۰۰/۰	۴۲۶	۱۰۰/۰	۱۲۷	۱۰۰/۰	۲۹۹	جمع
وضعیت تأهل						
۴۷/۲	۲۰۱	۳۸/۶	۴۹	۵۰/۸	۱۵۲	مجرد
۴۹/۸	۲۱۲	۵۸/۳	۷۴	۴۶/۲	۱۳۸	متأهل
۳/۱	۱۳	۳/۱	۴	۳/۰	۹	سایر
۱۰۰/۰	۴۲۶	۱۰۰/۰	۱۲۷	۱۰۰/۰	۲۹۹	جمع
محل سکونت						
۷۱/۱	۳۰۳	۷۳/۲	۹۳	۷۰/۲	۲۱۰	شهر
۲۸/۹	۱۲۳	۲۶/۸	۳۴	۲۹/۸	۸۹	روستا
۱۰۰/۰	۴۲۶	۱۰۰/۰	۱۲۷	۱۰۰/۰	۲۹۹	جمع

جدول (۲)، با توجه به یافته‌های پژوهش، در قوم ترکمن، ۵۴/۸ درصد از پاسخگویان تحقیق را مردان و ۴۵/۲ درصد را زنان، در قوم سیستانی ۴۵/۷ درصد از پاسخگویان تحقیق را مردان و ۵۴/۳ درصد را زنان و در کل، ۵۲/۱ درصد از پاسخگویان تحقیق را مردان و ۴۷/۹ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. وضعیت تأهل نیز در قوم ترکمن، ۵۰/۸ درصد از پاسخگویان تحقیق را افراد مجرد و ۴۶/۲ درصد را افراد متأهل تشکیل می‌دهند. در قوم سیستانی، ۳۸/۶ درصد از پاسخگویان تحقیق را افراد مجرد و ۵۸/۳ درصد را افراد متأهل تشکیل می‌دهند و در کل، ۴۷/۲ درصد از پاسخگویان تحقیق را افراد مجرد و ۴۹/۸ درصد را افراد متأهل تشکیل می‌دهند. همچنین ۳/۱ درصد را سایر افراد (مطلقه، همسر فوت شده و ...) بوده‌اند.

محل سکونت در قوم ترکمن، ۷۰/۲ درصد پاسخگویان، ساکن شهر و ۲۹/۸ درصد آنها ساکن روستا، در قوم سیستانی، ۷۳/۲ درصد پاسخگویان، ساکن شهر و ۲۶/۸ درصد آنها ساکن روستا و در کل، ۷۱/۱ درصد پاسخگویان، ساکن شهر و ۲۸/۹ درصد آنها ساکن روستا هستند.

جدول (۳)، آماره‌های توصیفی متغیرهای سن، تحصیلات، درآمد و هزینه

قوم	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار
سن				
ترکمن	۱۸	۷۰	۲۹/۵۴	۱۱/۲۷
سیستانی	۱۸	۶۳	۳۳/۵۰	۱۳/۰۷
کل	۱۸	۷۰	۳۰/۷۲	۱۱/۹۶
تحصیلات				
ترکمن	۵	۲۲	۱۴/۱۳	۲/۹۲
سیستانی	۸	۲۲	۱۴/۴۹	۲/۵۴
کل	۵	۲۲	۱۴/۲۴	۲/۸۲
درآمد				
ترکمن	۰	۱۰۰	۸/۴۸	۱۰/۱۷
سیستانی	۰	۱۰۰	۱۰/۶۰	۱۰/۳۷
کل	۰	۱۰۰	۹/۱۱	۱۰/۲۶
هزینه				
ترکمن	۰	۳۰	۶/۴۹	۵/۷۴
سیستانی	۰	۴۰	۶/۸۳	۵/۵۴
کل	۰	۴۰	۶/۹۰	۵/۷۱

جدول (۳)، سن، تحصیلات، درآمد و هزینه پاسخگویان در قالب یک سؤال باز و به صورت فاصله‌ای اندازه‌گیری شد. بر اساس یافته‌های تحقیق؛ میانگین و انحراف معیار سن در گروه ترکمن به ترتیب ۲۹/۵۴ و ۱۱/۲۷ و در گروه سیستانی به ترتیب ۳۳/۵۰ و ۱۳/۰۷ بوده است. همچنین در کل، حداقل و حداکثر سن به ترتیب ۱۸ و ۷۰ بوده است. میانگین سن آنها ۳۰/۷۲ سال با انحراف معیار ۱۱/۹۶ است.

میانگین و انحراف معیار تحصیلات در گروه ترکمن به ترتیب ۱۴/۱۳ و ۲/۹۲ و در گروه سیستانی به ترتیب ۱۴/۴۹ و ۲/۵۴ بوده است. همچنین در کل، حداقل و حداکثر تحصیلات به ترتیب ۵ (پنجم ابتدایی) و ۲۲ (دکتر) بوده است. میانگین تحصیلات آنها ۱۴/۲۴ کلاس با انحراف معیار ۲/۸۲ است.

میانگین و انحراف معیار درآمد در گروه ترکمن به ترتیب ۸/۴۸ و ۱۰/۱۷ و در گروه سیستانی به ترتیب ۱۰/۳۷ و ۱۰/۶۰ بوده است. همچنین در کل، حداقل و حداکثر درآمد به ترتیب ۰ (بدون درآمد) و ۱۰۰ میلیون تومان بوده است. میانگین درآمد آنها حدود ۹ میلیون تومان با انحراف معیار ۱۰/۲۶ است.

میانگین و انحراف معیار تحصیلات در گروه ترکمن به ترتیب ۶/۴۹ و ۵/۷۴ و در گروه سیستانی به ترتیب ۶/۸۳ و ۵/۵۴ بوده است. همچنین در کل، حداقل و حداکثر هزینه به ترتیب ۰ (بدون هزینه) و ۴۰ میلیون تومان بوده است. میانگین هزینه آنها حدود ۷ میلیون تومان با انحراف معیار ۵/۷۱ است.

۲.۵. یافته‌های استنباطی

آزمون فرضیه‌های پژوهش با دو روش؛ ضریب همبستگی پیرسون و آزمون تی مستقل انجام شده است. که در ذیل همراه به با نمایش جداول به آن‌ها اشاره خواهد شد.

۱.۲.۵. ضریب همبستگی پیرسون

با توجه به اینکه چهار متغیر سن، درآمد، هزینه و تحصیلات، با گرایش به هویت قومی و هویت ملی در سطح فاصله‌ای اندازه‌گیری شده‌اند از ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی این فرضیات استفاده شده است که خروجی آن‌ها در یک جدول، ادغام و نمایش داده شده است.

جدول (۴). خروجی ضریب همبستگی پیرسون برای آزمون رابطه‌های سن، درآمد، هزینه و تحصیلات با گرایش به هویت قومی و هویت ملی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب پیرسون	سطح معناداری
سن			
ترکمن	گرایش به هویت قومی	-۰/۰۷۳	۰/۲۱۰
	گرایش به هویت ملی	-۰/۱۸۷	۰/۰۰۱
سیستانی	گرایش به هویت قومی	-۰/۰۰۷	۰/۹۳۸
	گرایش به هویت ملی	۰/۲۰۹	۰/۰۱۸
درآمد			
ترکمن	گرایش به هویت قومی	-۰/۱۳۹	۰/۰۱۷
	گرایش به هویت ملی	-۰/۱۷۳	۰/۰۰۳
سیستانی	گرایش به هویت قومی	۰/۰۸۸	۰/۳۲۷
	گرایش به هویت ملی	۰/۱۸۰	۰/۰۴۴
هزینه			
ترکمن	گرایش به هویت قومی	-۰/۱۳۱	۰/۰۲۶
	گرایش به هویت ملی	-۰/۱۶۸	۰/۰۰۴
سیستانی	گرایش به هویت قومی	۰/۰۱۸	۰/۸۴۴
	گرایش به هویت ملی	۰/۰۴۶	۰/۶۱۱
تحصیلات			
ترکمن	گرایش به هویت قومی	-۰/۰۰۶	۰/۹۱۳
	گرایش به هویت ملی	۰/۱۵۵	۰/۰۰۷
سیستانی	گرایش به هویت قومی	۰/۰۲۰	۰/۸۲۵
	گرایش به هویت ملی	۰/۱۲۲	۰/۱۷۰

جدول (۴)، با توجه به یافته‌های پژوهش، در مردمان ترکمن؛ دو متغیر سن و تحصیلات، با گرایش به هویت قومی رابطه معنی‌دار ندارند و تغییرات آن‌ها در میزان این گرایش بین قوم ترکمن تأثیری نداشته و فرضیات مربوطه رد می‌شود. اما دو متغیر درآمد و هزینه رابطه معکوس و معنادار (اگرچه با ضریب ضعیف) داشته و فرضیه مرتبط با آن تأیید می‌شود. همچنین یافته‌ها بیانگر آن است که هر چهار متغیر؛ سن، درآمد و هزینه با گرایش به هویت ملی رابطه معکوس و معناداری و با متغیر تحصیلات نیز رابطه مثبت و معناداری داشته است و فرضیات مرتبط با آن تأیید می‌شود.

از طرفی در مردمان سیستانی هر چهار متغیر سن، درآمد، هزینه و تحصیلات، با گرایش به هویت قومی رابطه معنی‌دار ندارد و تغییرات آن‌ها در میزان این گرایش بین قوم سیستانی تأثیری نداشته و فرضیات مربوطه رد می‌شود. همچنین یافته‌ها بیانگر آن است که دو متغیر؛ سن و درآمد با گرایش به هویت ملی رابطه مثبت و معناداری داشته و فرضیات مرتبط با آن تأیید می‌شود. اما دو متغیر هزینه و تحصیلات با گرایش به هویت ملی رابطه معنی‌دار ندارند و تغییرات آن‌ها در میزان این گرایش بین این قوم تأثیری نداشته و فرضیات مربوطه رد می‌شود.

۲.۲.۵. آزمون تی مستقل

با توجه به اینکه سه متغیر جنس، محل سکونت و وضعیت تأهل در یک مقایسه میانگین برای گرایش به هویت قومی و هویت ملی مورد بررسی قرار می‌گیرند از آزمون تی مستقل استفاده می‌کنیم. لذا بررسی صحت و سقم فرضیات مربوطه و خروجی آن‌ها در یک جدول، ادغام و نمایش داده شده است.

جدول (۵). خروجی آزمون تی مستقل برای مقایسه میانگین گرایش به هویت قومی و هویت ملی بر

حسب جنس، محل سکونت و وضعیت تأهل

قومیت	متغیر وابسته	متغیر مستقل	میانگین	انحراف معیار	t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
جنسیت							
ترکمن	گرایش به هویت قومی	مرد	۲/۹۷	۰/۵۹۰	۲/۲۵۵	۲۹۷	۰/۰۲۵
		زن	۲/۷۷	۰/۸۱۴			
	گرایش به هویت ملی	مرد	۲/۶۸	۰/۶۷۸	۰/۷۸۱	۲۹۷	۰/۴۴۴
		زن	۲/۶۱	۰/۸۱۷			
سیستانی	گرایش به هویت قومی	مرد	۲/۶۴	۰/۹۹۶	-۰/۸۳۷	۱۲۵	۰/۴۰۵
		زن	۲/۷۷	۰/۷۸۷			
	گرایش به هویت ملی	مرد	۳/۰۴	۰/۷۲۳	۱/۸۱۷	۱۲۵	۰/۰۷۲
		زن	۲/۸۱	۰/۶۷۷			
محل سکونت							

۰/۳۴۰	۲۹۷	-۰/۹۵۷	۰/۶۷۲	۲/۸۵	شهر	گرایش به هویت قومی	ترکمن
			۰/۷۷۸	۲/۹۴	روستا		
۰/۹۲۶	۲۹۷	-۰/۰۹۳	۰/۷۴۲	۲/۶۴	شهر	گرایش به هویت ملی	
			۰/۷۴۹	۲/۶۵	روستا		
۰/۹۶۲	۱۲۵	-۰/۰۴۸	۰/۹۰۰	۲/۷۱	شهر	گرایش به هویت قومی	سیستانی
			۰/۸۶۶	۲/۷۲	روستا		
۰/۲۳۲	۱۲۵	۱/۲۰۲	۰/۶۴۸	۲/۹۶	شهر	گرایش به هویت ملی	
			۰/۸۳۸	۲/۷۹	روستا		
وضعیت تأهل							
۰/۷۴۷	۲۸۸	-۰/۳۲۳	۰/۷۱۷	۲/۸۹	مجرد	گرایش به هویت قومی	ترکمن
			۰/۶۹۸	۲/۸۶	متاهل		
۰/۰۱۸	۲۸۸	۲/۳۷۳	۰/۶۹۶	۲/۷۴	مجرد	گرایش به هویت ملی	
			۰/۷۷۹	۲/۵۳	متاهل		
۰/۶۴۸	۱۲۱	۰/۴۵۸	۰/۸۴۵	۲/۷۴	مجرد	گرایش به هویت قومی	سیستانی
			۰/۹۲۸	۲/۶۹	متاهل		
۰/۱۲۴	۱۲۱	-۱/۵۵۰	۰/۷۶۰	۲/۷۹	مجرد	گرایش به هویت ملی	
			۰/۶۷۱	۲/۹۹	متاهل		

جدول (۵)، با توجه به یافته‌های پژوهش؛ در گروه ترکمن، میانگین گرایش به هویت قومی در بین زنان (۲/۷۷) به طور معنی‌داری کمتر از گرایش به هویت قومی در بین مردان (۲/۹۷) است ($\text{Sig} = ۰/۰۲۵$). ولی این تفاوت در گروه سیستانی و در کل نمونه نیز معنی‌دار نبود. بنابراین فرضیه مرتبط تأیید نمی‌شود. همچنین میانگین گرایش به هویت ملی در بین مردان (۲/۷۷) تفاوت معنی‌داری با گرایش به هویت ملی در بین زنان (۲/۶۸) ندارد ($\text{Sig} = ۰/۱۹۶$). همچنین این تفاوت در گروه ترکمن و سیستانی نیز معنی‌دار نبود. بنابراین فرضیه مرتبط تأیید نمی‌شود.

میانگین گرایش به هویت قومی در بین ساکنان شهر (۲/۸۱) تفاوت معنی‌داری با گرایش به هویت قومی در بین ساکنان روستا (۲/۸۸) ندارد ($\text{Sig} = ۰/۴۰۴$). همچنین این تفاوت در گروه ترکمن و سیستانی نیز معنی‌دار نبود. بنابراین فرضیه مرتبط تأیید نمی‌شود. همچنین با توجه به یافته‌های پژوهش، میانگین گرایش به هویت ملی در بین ساکنان شهر (۲/۷۴) تفاوت معنی‌داری با گرایش به هویت ملی در بین ساکنان روستا (۲/۶۹) ندارد ($\text{Sig} = ۰/۵۲۷$). همچنین این تفاوت در گروه ترکمن و سیستانی نیز معنی‌دار نبود. بنابراین فرضیه مرتبط تأیید نمی‌شود.

میانگین گرایش به هویت قومی در بین افراد مجرد (۲/۸۵) تفاوت معنی‌داری با گرایش به هویت قومی در بین افراد متأهل (۲/۷۹) ندارد ($\text{Sig} = ۰/۴۳۵$). همچنین این تفاوت در گروه ترکمن و سیستانی نیز معنی‌دار نبود. بنابراین فرضیه مرتبط تأیید نمی‌شود. همچنین با توجه به یافته‌های پژوهش، در گروه ترکمن،

میانگین گرایش به هویت ملی در بین افراد مجرد (۲/۷۴) به طور معنی‌داری بیشتر از گرایش به هویت ملی در بین افراد متأهل (۲/۵۳) بود ($Sig = ۰/۰۱۸$). ولی این تفاوت در گروه سیستانی و کل نمونه معنی‌دار نبود. بنابراین فرضیه مرتبط تأیید نمی‌شود.

جدول شماره (۶) خروجی آزمون تی مستقل برای مقایسه میانگین گرایش به هویت قومی در بین ترکمن‌ها و سیستانی‌های استان گلستان

متغیر	گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار	T	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
گرایش به هویت قومی	ترکمن	۲/۸۸	۰/۷۰۵	۱/۸۹۲	۴۲۴	۰/۰۶۰
	سیستانی	۲/۷۱	۰/۸۸۷			

جدول (۶)، پاسخگوی فرضیه شماره ۷ می‌باشد. این فرضیه مدعی تفاوت بین میانگین گرایش به هویت قومی در بین ترکمن‌ها و سیستانی‌های استان گلستان است. با توجه به یافته‌های پژوهش، میانگین گرایش به هویت قومی در بین ترکمن‌ها (۲/۸۸) تفاوت معنی‌داری با گرایش به هویت قومی در بین سیستانی‌ها (۲/۷۱) ندارد ($Sig = ۰/۰۶۰$). بنابراین فرضیه مرتبط تأیید نمی‌شود.

جدول (۷)، خروجی آزمون تی مستقل برای مقایسه میانگین گرایش به هویت ملی در بین ترکمن‌ها و سیستانی‌های استان گلستان

متغیر	گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار	T	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
گرایش به هویت ملی	ترکمن	۲/۶۴	۰/۷۴۳	-۳/۴۹۳	۴۲۴	۰/۰۰۱
	سیستانی	۲/۹۲	۰/۷۰۵			

جدول (۷)، پاسخگوی فرضیه شماره ۸ می‌باشد. این فرضیه مدعی تفاوت بین میانگین گرایش به هویت ملی در بین ترکمن‌ها و سیستانی‌های استان گلستان است. با توجه به یافته‌های پژوهش، میانگین گرایش به هویت ملی در بین ترکمن‌ها (۲/۶۴) به طور معنی‌داری کمتر از گرایش به هویت ملی در بین سیستانی‌ها (۲/۹۲) است ($Sig = ۰/۰۰۱$). بنابراین فرضیه مرتبط تأیید می‌شود.

نتیجه‌گیری

نتایج گویای آن است که از منظر هویت قومی، مردمان ترکمن، زبان قومی را بالاترین مشخصه هویت قوم خود دانسته و بیشترین تعلق خاطر را به آن دارند لذا ترجیح آنان تکلم با زبان قومی (غیر از اماکن رسمی) است و فراموشی و به نوعی ضعف استفاده از آن را ناراحت‌کننده می‌دانند. افتخار به تاریخ قومی نیز تا حدی درصد بالایی بین آنان دارد. اما مسلمان بودن نسبت به ترکمن بودن پایین‌تر از حد متوسط برای این قوم موضوعیت دارد. علاقمندی به موسیقی محلی نیز در حد متوسط و آداب و رسوم قومی کمی پایین‌تر از

آن مورد توجه می‌باشد. تمایل به استفاده از پوشاک محلی در بین این قوم چندان دیده نمی‌شود و همچنین علاقه چندان به تدریس زبان قومی در مقاطع تحصیلی خود ندارند.

از همه مهمتر میزان آشنایی با نمادهای قومی در بین آنان بسیار اندک است و به نوعی ضعف شناختی به چنین میراث‌های قومی در آنان دیده می‌شود. این وضعیت تا حدی می‌تواند مبتنی بر نظریه نوسازی ناظر بر تأثیرات نوسازی بر کاهش هویت قومی تبیین گردد. مبتنی بر این نظریه، فرایند مدرنیته با گسترش ارتباطات جمعی و وسایل حمل و نقل و مجازی شدن روابط در سطح بین‌الملل و... افزایش عام‌گرایی در سطح جهان را موجب می‌شود و به نوعی کاهش حساسیت نسبت به فرهنگ قومی رخ می‌دهد (چلبی، ۱۳۸۲: ۳۰۸). بدین‌سان گسترش شبکه‌های جهانی رایانه‌ای و ماهواره‌ای و افزایش تعامل هویت‌های فرهنگی موجب ارتباط فزاینده فرهنگ‌های بومی و رشد آنها و در نتیجه تحقق هویت بشری فراملی می‌شود و به موازات آن اهمیت فرهنگ‌های قومی را کمرنگ می‌گرداند (دهشیری، ۱۳۷۹: ۷۹).

در کل نتایج نشان می‌دهد گرایش‌های قومی مردمان ترکمن در ابعاد مختلف چندان قوی نمی‌باشد و این امر علاوه بر تبیین نظری اشاره شده می‌تواند در حد قابل توجه‌ای نشان از فقدان شناخت ابعاد تاریخ قومی بین این مردمان باشد که این مسأله نیز خلاء آموزشی در حوزه‌های مربوطه را برای این قوم عیان می‌سازد. ضمن آنکه محدودیت‌های ساختاری در معرفی و بازخوانی هویتی و سلطه فرهنگ کلان، این قوم را در یک بی‌میلی و بی‌توجهی به حفظ و معرفی تاریخ قومی خود که به نوعی ناشی از انزوای قومی می‌باشد کشانده است. این نتایج بر خلاف هویت قومی در بین اقوام ترک و کرد می‌باشد که چلبی (۱۳۹۷)، در پژوهش خود نشان داده است. ایشان در چارچوب یک پیمایش ملی با عنوان هویت قومی و رابطه آن با هویت ملی به این نتیجه دست یافت که دل‌بستگی ترک آذری‌ها به زبان فارسی به عنوان زبان ملی و دل‌بستگی کردها به دولت جمهوری اسلامی ایران به عنوان دولت ملی، کمتر از سایر اقوام است و هویت قومی برای آنان برجسته است.

ادامه مباحث آماری، عوامل مؤثر بر گرایش‌های قومی مردمان ترکمن را نشان می‌دهد. از این رو داده‌ها حاکی از آن است که دو عامل تأثیرگذار بر گرایش قومی این مردمان، درآمد و هزینه‌های آنان است که رابطه معکوس و معنادار دارد. همچنین میانگین گرایش به هویت قومی بر حسب جنس (برخلاف هویت ملی که متغیر جنس در آن نقشی ندارد) رابطه دارد و به میزان معناداری هویت قومی در زنان قوم ترکمن پررنگ‌تر است. شاید به نوعی دل‌بستگی بیشتر زنان به هویت قومی معطوف به شرایط زیسته آنان باشد. مبتنی بر رویکر نوسازی با توجه به اینکه زنان این قوم تحصیلات پایین‌تری نسبت به مردان دارند، بالطبع تأثیرات آشنایی با نظام‌های جهانی و فرهنگ عام‌گرایی در آنان کمتر دیده می‌شود. از طرفی مبتنی بر اندیشه استرایکر می‌توان گفت این زنان به جهت غلبه تجربه‌های اجتماعی درون‌گروهی و مواجه کمتر با نشانه‌های قدرت ساختاری، امکان بازخوانی هویت قومی خود را بیشتر دارند^۱. (Striker, 2000: 286)

مباحث مربوطه را در قوم سیستانی نیز به تحلیل نشانیدیم. از منظر هویتی، مردمان سیستانی قبل از آنکه خود را سیستانی و منتصب به هویت قومی خود بدانند انتصاب مذهبی داشته و به نوعی مسلمان بودن خود

۱. چنین آماری حتی می‌تواند ناشی از فراوانی کمتر زنان نسبت به مردان در نمونه آماری دانست. لذا در این حوزه‌ها نیازمند به پژوهش‌های بیشتری می‌باشیم.

را برجسته می‌خوانند. بعد از آن علاقمندی به زبان قومی را در حد متوسط نشان دادند و میزان اعتقاد به وجود تاریخ خاص قومی و همچنین افتخار به تاریخ قومی را کمی پایینتر از متوسط اعلام کردند. مطلب قابل توجه آن است که از فراموشی زبان قومی چندان واهمه و ترس نداشته و دل بستگی چندان به آن ابراز نکرده‌اند. همچنین میزان علاقه به استفاده از پوشاک قومی و محلی و نیز رعایت آداب و رسوم قومی، چندان برای آنان موضوعیت نداشت. ضمن آنکه به طور تقریبی استقبالی از تکلم به زبان قومی با اعضا خانواده خود نداشتند و همین طور علاقمندی به تدریس زبان قومی در مدارس و دانشگاه‌ها چندان در آنان دیده نشد.

در مرتبه پایین‌تر نیز به موسیقی قومی و محلی چندان بهایی نمی‌دادند و نمادهای قوم سیستانی برایشان بسیار نامأنوس بود و آشنایی بسیار کمی از آن داشتند. این وضعیت تا حدی می‌تواند مبتنی بر نظریه مقوله‌بندی هویتی، تاجفل تبیین گردد. هویت در این نظریه براساس احساس تعلق تعریف می‌شود. یعنی فرد آنهایی را که به آن تعلق دارد بعنوان درون گروه و آنهایی را که بدانها متعلق نیست تحت عنوان برون گروه می‌شناسد. تعصبی که در این راه به خرج داده می‌شود، باعث جستجوی هویت اجتماعی مثبت و حفظ این هویت می‌شود. تشکیل هویت‌های اجتماعی بر پایه مقایسه‌هایی شکل می‌گیرد که آن فرد میان گروه‌های تعلق خود و گروه‌های دیگری که برای او قابل مقایسه به حساب می‌آیند، انجام می‌دهد و لذا برای اینکه هویت اجتماعی مثبت باشد، نتایج این مقایسه‌ها باید به نفع گروه تعلق فرد باشد. بنابراین تاجفل هویت اجتماعی را با عضویت گروهی پیوند می‌زند و آن را متشکل از سه عنصر می‌داند: عنصر شناختی (آگاهی از اینکه، فرد به یک گروه تعلق دارد)، عنصر احساسی (احساسات نسبت به گروه و نسبت به افراد دیگری که رابطه‌ای خاص با آن گروه دارند) و عنصر ارزشی (فرضیاتی درباره پیامدهای ارزشی مثبت یا منفی عضویت گروهی) می‌داند (دوران، ۱۳۸۵: ۱۱۵).

نتایج نشان می‌دهد گرایش‌های قومی مردمان سیستانی در ابعاد مختلف قوی نمی‌باشد و این امر می‌تواند با نظریه ارائه شده چنین تبیین گردد که قومیت سیستانی به عنوان درون گروه، در پرتو سه عنصر شناختی، احساسی و ارزشی چندان برای این قوم موضوعیت ندارد. این موضوع برخلاف نگرش مذهبی است که آنان مسلمان بودن خود را بر قومیت سیستانی مقدم می‌دانستند و به نوعی انتصاب در گروه دینی مسلمانان به منزله کسب هویت برای اقوام سیستانی مهمتر از گروه قومی بوده است. البته فارغ از نگاه والای دینی، نگرش ضعیف قومی در آنان در حد قابل توجه‌ای می‌تواند نشان از فقدان شناخت ابعاد تاریخ قومی بین این مردمان باشد. این مسأله نیز خلاء آموزشی در حوزه‌های مربوطه را برای این قوم نشان می‌دهد ضمن آنکه گویای آن است که محدودیت‌های ساختاری در معرفی و بازخوانی هویتی و سلطه فرهنگ کلان، این قوم را در یک بی‌میلی و بی‌توجهی به حفظ و معرفی تاریخ قومی که به نوعی ناشی از انزوای قومی می‌باشد کشانده است.

بعد از هویت قومی با طرح سؤالاتی نگرش این دو قوم را نسبت به هویت ملی جویا شدیم. در ارتباط با قوم ترکمن آمارها نشان می‌دهد بیشترین میزان علاقه‌مندی آنان، پرچم ایران به منزله نماد میهن پرستی است و بعد از آن عشق و تعلق خاطر به سرزمین ایران می‌باشد. علاقمندی به زبان ملی و قرار دادن آن

کنار زبان مادری فراوانی بعد بود که به آن اشاره داشتند. این قوم به میزان، بسیار کمی بالاتر از حد متوسط ایرانی بودن را بر مسلمان بودن ترجیح داده‌اند. بعد از آن تمایل به زندگی در ایران بود که پایین‌تر از متوسط مشخص شد. همچنین علاقمندی به مراسم ملی و اعتقاد به سرنوشت مشترک تاریخی با ایرانیان، چندان در آنان قوی دیده نشده است. این قوم چندان به پوشش رسمی در مدارس تمایل نداشتند و علاقه چندان به موسیقی ایرانی نشان ندادند. همچنین درصد موافقت تکلم به زبان فارسی با اعضای خانواده در آنان بسیار پایین بود. در نهایت ضمن آنکه سرنوشت ایران در جایگاه کشور مادری برای آنان موضوعیت داشت اما درصد بسیار کمی زندگی در کشوری دیگر را نامطلوب می‌دانستند. همچنین آمارها حاکی از آن است متغیرهایی چون؛ سن (برخلاف هویت قومی که متغیر سن در آن نقشی ندارد)، درآمد و هزینه‌های مردمان ترکمن با گرایش‌های ملی آنان رابطه معکوس و معنادار دارد. این رابطه در تحصیلات نیز معنادار اما به صورت مثبت و مستقیم می‌باشد. ضمن آنکه میانگین گرایش به هویت ملی با وضعیت تأهل نیز ارتباط دارد و میزان گرایش به هویت ملی در افراد مجرد به طور معنی‌داری بیشتر از افراد متأهل است.

در ارتباط با سن می‌توان گفت سنین جوانی دوره کسب تجربیات جدید با گشودگی به جهان خارج است لذا نگاه‌های فراملی در این گروه نسبت به سنین بالاتر بیشتر دیده می‌شود. همچنین در ارتباط با وضعیت تأهل محتمل است ناشی از دل‌بستگی‌ها و تفکرات خارج از نظام خانواده باشد که در قشر مجرد بیشتر دیده می‌شود.^۱ نکته قابل توجه که از داده‌ها نمایان است، متغیرهای درآمد و هزینه‌ها است. نتایج نشان می‌دهد این دو متغیر علاوه بر آنکه گرایش‌های ملی را تحت‌تأثیر قرار داده، گرایش‌های قومی را نیز متأثر گردانده است. در این خصوص می‌توان گفت بالطبع دغدغه‌های مالی احساسات و تفکرات متعالی چون عشق به تاریخ و فرهنگ را در افراد کم‌رنگ و یا به نوعی خنثی می‌گرداند. چنین دغدغه‌هایی که حاصل مقایسه با دیگری در جامعه یا فاصله بین دو وضعیت قبلی و فعلی می‌باشد در مدت طولانی می‌تواند نوعی بی‌صبری و ناتوانی را در اقوام ایجاد کند و به عبارتی مبتنی بر نظریه محرومیت نسبی شکاف بین انتظارات و دریافت‌های محیطی را نشان دهد.

طبق نظریه محرومیت نسبی گر، اگر اقوام مختلف در جامعه متوجه چنین شکاف‌هایی گردند و در دایره قیاس با ساختار کلی و یا اقوام دیگر خود را محروم‌تر ببینند احتمال خشونت‌های مدنی از ناحیه محرومان، که در این میان می‌تواند از قومیت‌های جامعه باشد، بسیار می‌رود. لذا با توجه به این نظریه شرایط نامساعد و بی‌توجهی به انتظارات اقوام و همچنین ایجاد فضای تبعیض و رقابتی بین آنان محتمل است خشونت و تنش مدنی را ایجاد کند. مصادیق مطلب اشاره شده قابل توجه است و همانطور که محمدزاده و خانی (۱۳۹۶)، در نتایج پژوهشی خود نشان داده‌اند، شکاف قومی در فرایند تاریخی در میان اقوام ایرانی فعال بوده و مواردی چون تشکیل دولت متجدد و مرکزگرا، ملت‌سازی ناقص و ایجاد نابرابری قومی در ابعاد سیاسی و اجتماعی - فرهنگی و همچنین احساس تبعیض قومی در این شکاف‌های قومی نقش بر جسته‌ای داشته است.

۱. این آمار می‌تواند ناشی از تعداد بیشتر مجردان نسبت به متأهلان در نمونه آماری باشد و همسو با نمونه پیشین، نیازمند به پژوهش‌های بیشتری در حوزه‌های مربوطه می‌باشیم.

در قوم سیستانی نیز منطبق با جداول یافته‌ها هویت ملی نسبت به هویت قومی پررنگ تر دیده شده است. همچنین آمارها نشان می‌دهد که متغیرهایی چون؛ سن و درآمد مردمان سیستانی با گرایش‌های ملی آنان رابطه مثبت و معناداری دارد. لذا هر چه سن پاسخگویان بیشتر و میزان درآمد آن‌ها بالاتر بود احساسات ملی‌گرایانه در آنان قوی تر دیده شده است. در ارتباط با سن می‌توان گفت سنین جوانی دوره کسب تجربیات جدید با گشودگی به جهان خارج است. لذا نگاه‌های فراملی در این گروه بیشتر دیده می‌شود که با گذر از آن آرام آرام احساس وابستگی و تعلق خاطر به سرزمین مادری می‌تواند افزون گردد. اما نکته قابل توجه متغیر درآمد است که شکاف‌های طبقاتی ایجاد می‌کند و گرایش‌های ملی را متأثر می‌گرداند. این امر در یک بازخوانی اجتماعی می‌تواند به مقایسه هویت ملی و هویت قومی منجر شود و احساس تبعیض‌های اجتماعی و حتی سیاسی در پرتو نگرش‌های قومی را شکل دهد و در کنش‌های قومی متجلی گرداند.

همچنان که رئوفی و همکاران (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای به بررسی گرایش به هویت ملی و هویت قومی با تاکید بر احساس محرومیت نسبی (در بعد اقتصادی) بین جوانان ایلام پرداختند. آنان در نتایج خود دریافتند که بین محرومیت نسبی با میزان گرایش به هویت ملی رابطه معکوسی وجود دارد. همچنین سراوانی (۱۳۹۳)، در تحقیق خود نشان می‌دهد که علت اصلی مهاجرت سیستانی‌ها به دشت گرگان در سال‌های (۱۳۰۴-۱۳۵۷)، مسائل مالی ناظر بر موقعیت طبیعی گرگان دشت و اقتصاد رو به رشد این منطقه بعد از شرایط سخت در سکنی پیشین این مردمان (منطق‌های هیرمند و هامون)، بوده است.

در نهایت آمارها گویای آن است که میزان گرایش به هویت ملی و هویت قومی در بین ترکمن‌های استان گلستان بیشتر از متوسط بوده است. از طرفی در یک مقایسه، بین گرایش به هویت قومی و هویت ملی تفاوت معنی‌داری وجود دارد و میانگین گرایش به هویت قومی بین این قوم بیش‌تر از گرایش به هویت ملی است. در خصوص سیستانی‌ها نیز این آمارها نشان می‌دهد میزان گرایش به هویت ملی و هویت قومی در بین سیستانی‌های استان گلستان بیشتر از متوسط بوده است. ضمن آنکه در یک مقایسه، بین گرایش به هویت قومی و هویت ملی تفاوت معنی‌داری وجود دارد و میانگین گرایش به هویت ملی بین این اقوام بیش‌تر از گرایش به هویت قومی است.

تقدیر و تشکر

با توجه به اینکه در تحقیق حاضر عزیزان بسیاری همراهی داشتند، بر خود لازم می‌دانیم نهایت قدردانی خود را اعلام داریم؛ از؛ مسئولین محترم منطقه‌های سیستانی و ترکمن‌نشین استان گلستان جهت هماهنگی کار پژوهشی، مسئولین فرهنگی و اجرایی این مناطق، به مثابه کارشناسان و هادیان علمی - پژوهشی و همچنین اقوام محترم سیستانی و ترکمن استان گلستان، که صمیمانه در این مسیر یاری‌گر ما بودند.

منابع

- احمدی، حمید (۱۳۸۸)، بنیادهایی هویت ملی ایرانی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

- احمدی، حمید (۱۳۸۳)، ایران هویت، ملیت، قومیت. تهران: موسسه تحقیقات علوم انسانی.
- احمدی، حمید؛ گنج-خانلو، مصدق (۱۳۹۳)، رابطه هویت ملی و هویت قومی بین جوانان شهر زنجان، مجله رهیافت سیاسی بین‌الملل، دوره ۵ صص ۹۱-۶۲.
- اسمیت، آنتونی (۱۳۷۷)، منابع قومی ناسیونالیسم، فصلنامه مطالعه راهبرد، شماره ۱، صص ۲۰۶-۱۸۳.
- اشرف، احمد (۱۳۵۰)، مشخصات اقتصادی و اجتماعی نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی در ایران، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- افضل‌ی، رسول؛ ضرغامی، برزین (۱۳۸۸)، تحلیل بنیادهای پایدار همگرایی و متغیرهای اعتباری تهدید قومی در ایران، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۰، صص ۹۰-۷۷.
- آموزگار، ژاله (۱۳۸۰)، تاریخ اساطیر ایران، تهران: انتشارات سمت.
- بالمر، مارتین؛ سولومز، جان (۱۳۸۱)، مطالعه قومی و نژادی در قرن بیستم، مترجمان: پرویز دلیرپور و سید کمال سروریان، تهران انتشارات مطالعات راهبردی.
- تد، رابرت گر (۱۳۷۸)، چرا انسان‌ها شورش می‌کنند، ترجمه علی مرشدی-زاده، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جلالی، مهدی (۱۳۹۷)، بررسی تطبیقی هویت قومی و هویت ملی در میان دانش-آموزان ترک و آذری زبان، فصلنامه علمی مطالعات میان‌فرهنگی، شماره ۳۷، صص ۹۳-۷۱.
- چلبی مسعود (۱۳۷۸)، میزگرد وفاق اجتماعی، فصلنامه مطالعات ملی، دوره ۱، صص ۱۲-۱.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۲)، جامعه‌شناسی نظم، تهران: نشرنی.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۷)، نسبت هویت ملی با هویت قومی در میان اقوام ایرانی، مجله جامعه‌شناسی سیاسی، دوره ۹، صص ۱۶۳-۱۴۳.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی هویت ایرانی، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۷۹)، تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۵، ۲۲۸-۱۹۳.
- دهشیاری، محمدرضا (۱۳۷۹)، جهانی شدن و هویت ملی، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۵، صص ۱۰۰-۷۱.
- ربانی، جعفر (۱۳۸۱)، هویت ملی، تهران: انجمن اولیا و مربیان.
- رضایی، احمد (۱۳۸۴)، تنوع فرهنگی در استان گیلان، فصلنامه مطالعات ملی، سال ششم، شماره ۲۱، صص ۱۲۳-۱۴۰.
- رئوفی، میترا؛ تاج‌الدین، محمدباقر؛ مشهدی میقانی، ژیلا (۱۳۹۷)، تحلیل جامعه‌شناختی گرایش به هویت ملی و قومی با تأکید بر احساس محرومیت نسبی در بین جوانان شهر ایلام، مجله مطالعات اجتماعی ایران، شماره ۲، صص ۲۴-۵.
- زنجان‌ی، حبیب‌الله (۱۳۸۰)، مهاجرت، تهران: انتشارات سمت.
- سخاوتی‌فر، نورمحمد (۱۳۸۶)، بررسی رابطه بین هویت ملی و هویت قومی ترکمن‌ها در استان گلستان،

- پایان-نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: احمد رضایی، دانشگاه مازندران، دانشکده علوم اجتماعی.
- سراوانی، زهرا (۱۳۹۳)، چرایی و چگونگی مهاجرت سیستانی‌ها به دشت گرگان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ، استاد راهنما: ذکرالله محمدی، قزوین: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین.
 - شیخاوندی، داود (۱۳۷۹)، تکوین و تنفیذ هویت ایرانی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
 - عاملی، سعیدرضا (۱۳۷۸)، فرآیند جهانی شدن و هویت ایرانی در بریتانیا، کتاب گفت‌وگوهای ایرانیان، مجموعه مقالات، تهران: فرهنگ و ارتباطات اسلامی، صص ۲۴۷-۲۱۹.
 - عزیزی، پروانه؛ اذرکمند، رزا (۱۳۹۰)، بررسی عوامل واگرایی قوم بلوچ و تاثیر آن بر امنیت ملی کشور، فصلنامه دانشنامه، شماره ۲، صص ۱۱۱-۹۵.
 - غراویان زندی، داود (۱۳۸۴)، روشنفکری، هویت و نوگرایی در ایران: نگاه شناخت‌شناسانه، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۲۱، صص ۶۸-۴۷.
 - قاسمی، علی اصغر؛ ابراهیمی علی-آبادی، غلامرضا (۱۳۹۰)، نسبت هویت ملی و وحدت ملی در ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵۹، صص ۱۳۸-۱۰۷.
 - قالیباف، محمد باقر؛ پوینده، محمدهادی (۱۳۹۰)، تبیین جغرافیایی بنیادهای هویت ملی (مطالعه موردی ایران)، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۱، صص ۲۴-۳.
 - قنبری برزیان، علی؛ جعفرزاده پور، فروزنده (۱۳۹۰)، قدرت هویت ملی در میان ایرانیان، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۴، صص ۳۲-۳.
 - کمالی، محمد شریف (۱۳۷۴)، ایرانیان ترکمن، تهران: نشر اساطیر.
 - گر، تدرابرت (۱۳۷۸)، چرا انسان‌ها شورش می‌کنند، ترجمه: علی مرشدی زاده، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
 - گلی، امین‌الله (۱۳۶۶)، تاریخ سیاسی و اجتماعی ترکمن‌ها، تهران: نشر علم.
 - گودرز، محمدرزای (۱۳۹۳)، بررسی وضعیت شکاف قومی و مذهبی در منطقه غرب کشور (کرمانشاه و کردستان)، تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: علی اصغر قاسمی.
 - میرمحمدی، داوود (۱۳۸۳)، گفتارهای درباره هویت ملی در ایران، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
 - نظری، علی اصغر (۱۳۶۷)، جغرافیای جمعیت ایران، تهران: انتشارات پیام نور.

References

- Ahmadi, Hamid (2008), Foundations of Iranian National Identity, Tehran: Research Center for Cultural and Social Studies. [In Persian].
- Ahmadi, Hamid (2004), Iran identity, nationality, ethnicity. Tehran: Humanities Research Institute. [In Persian].
- Ahmadi, Hamid; Ganj-Khanlou, Mossadegh (2013), the relationship between national identity and ethnic identity among the youth of Zanjan city, Journal of International Political Approach, Volume 5, pp. 62-91. [In Persian].
- Smith, Anthony (1998), Ethnic sources of nationalism, Strategic Study Quarterly, No. 1, pp.

- 183-206. [In Persian].
- Ashraf, Ahmad (2010), economic and social characteristics of agricultural exploitation systems in Iran, Tehran: Program and Budget Organization. [In Persian].
 - Afzali, Rasool; Zarghami, Barzin (2008), analysis of stable foundations of convergence and credit variables of ethnic threat in Iran, Human Geography Research Quarterly, No. 70, pp. 77-90. [In Persian].
 - Amouzgar, Jhaleh (2010), History of Iranian Mythology, Tehran: Samt Publications. [In Persian].
 - Ballmer, Martin; Soloms, John (2001), Ethnic and racial study in the 20th century, translators: Parviz Delirpour and Seyyed Kamal Sarwarian, Tehran, Strategic Studies Publications. [In Persian].
 - Ted, Robert (1999), Why do people rebel, translated by Ali Morshidzadeh, Tehran: Strategic Research Institute. [In Persian].
 - Jalali, Mehdi (2017), Comparative study of ethnic identity and national identity among Turkish and Azeri speaking students, Scientific Quarterly of Intercultural Studies, No. 37, pp. 71-93. [In Persian].
 - Chalabi Masoud (1999), Social Peace Roundtable, National Studies Quarterly, Volume 1, pp. 1-12. [In Persian].
 - Chalabi, Masoud (2012), Sociology of Order, Tehran: Nashrani. [In Persian].
 - Hajiani, Ebrahim (2008), the relationship between national identity and ethnic identity among Iranian ethnic groups, Journal of Political Sociology, Volume 9, pp. 143-163. [In Persian].
 - Hajiani, Ebrahim (2008), Sociology of Iranian Identity, Tehran: Strategic Research Center Publications. [In Persian].
 - Hajiani, Ebrahim (2000), Sociological analysis of national identity in Iran and several hypotheses, National Studies Quarterly, No. 5, 193-228. [In Persian].
 - Deshiari, Mohammad Reza (2009), Globalization and National Identity, National Studies Quarterly, No. 5, pp. 71-100. [In Persian].
 - Rabbani, Jafar (2002), National Identity, Tehran: Association of Parents and Teachers. [In Persian].
 - Rezaei, Ahmad (2004), Cultural Diversity in Gilan Province, National Studies Quarterly, Year 6, Number 21, pp. 123-140. [In Persian].
 - Reofi, Mitra; Tajuddin, Mohammad Bagher; Mashhadi Miqani, Jila (2017), Sociological analysis of tendency towards national and ethnic identity with an emphasis on the feeling of relative deprivation among the youth of Ilam city, Iranian Journal of Social Studies, No. 2, pp. 5-24. [In Persian].
 - Zanjani, Habibullah (2001), Migration, Tehran: Samit Publications [In Persian].
 - Sakhawafar, Noor Mohammad (2016), a study of the relationship between national identity and ethnic identity of Turkmens in Golestan province, Master's thesis, supervisor: Ahmad Rezaei, Mazandaran University, Faculty of Social Sciences. [In Persian].
 - Saravani, Zahra (2013), why and how the Sistani migrated to Dasht Gorgan, master's thesis in the field of history, supervisor: Zikrullah Mohammadi, Qazvin: Imam Khomeini International University (RA) Qazvin. [In Persian].
 - Shekhavandi, Daud (2000), the formation and enforcement of Iranian identity, Tehran: Islamic and Iran Research Center. [In Persian].

- Ameli, Saeedreza (1999), Globalization Process and Iranian Identity in Britain, Iranian Discourse Book, Collection of Articles, Tehran: Islamic Culture and Communication, pp. 219-247. [In Persian].
- Azizi, butterfly; Azarkmand, Roza (2018), investigation of the factors of divergence of the Baloch people and its impact on the country's national security, Daneshnameh Quarterly, No. 2, pp. 95-111. [In Persian].
- Ghravian-Zandi, Daoud (2014), Intellectualism, identity and modernity in Iran: an epistemological view, Strategic Studies Quarterly, No. 21, pp. 47-68. [In Persian].
- Ghasemi, Ali Asghar; Ebrahimi Ali-Abadi, Gholam-Reza (2013), the relationship between national identity and national unity in Iran, Strategic Studies Quarterly, No. 59, pp. 107-138. [In Persian].
- Ghalibaf, Mohammad Baqir; Poivendeh, Mohammad Hadi (2013), Geographical explanation of the foundations of national identity (case study of Iran), National Studies Quarterly, No. 1, pp. 3-24[In Persian].
- Ghanbari Barzian, Ali; Jafarzadeh Pour, Foruzandeh (2010), The strength of national identity among Iranians, National Studies Quarterly, No. 4, pp. 3-32. [In Persian].
- Kamali, Mohammad Sharif (1995), Turkmen Iranians, Tehran: Asatir Publishing House.
- Ger, Tedrabort (1999), Why do people rebel, translated by: Ali Morshidizadeh, Tehran: Strategic Studies Institute. [In Persian].
- Goli, Aminullah (1987), Political and Social History of Turkmens, Tehran: Alam Publishing. [In Persian].
- Guderz, Mohammadwali (2013), Studying the state of ethnic and religious divide in the western region of the country (Kermanshah and Kurdistan), its effect on the national security of the Islamic Republic of Iran, Master's thesis, supervisor: Ali Asghar Ghasemi. [In Persian].
- Mirmohammadi, Davood (2013), Speeches about national identity in Iran, Tehran: Iranian Civilization Publications. [In Persian].
- Nazari, Ali Asghar (1997), Population Geography of Iran, Tehran: Payam Noor Publications. [In Persian].
- Drake, C. (2019), National integration in Indonesia: Patterns and policies. University of Hawaii Press
- Kee, C. P., & Nie, K. S. (2017), A reflection of national integration process and the role of media in Malaysia. Journal Komunikasi: Malaysian Journal of Communication, 33(1).
- Sabatier; Coltte2008)), "Ethnic and national identity among secon-generation immigrant adolescents in France: The role of social context and family"Journal of Adolescence;VOL
- Shah, S. J., & Ishaque, W. (2017), Challenges of National Integration in Pakistan and Strategic Response. ISSRA PAPERS, 9(II).
- Striker·sheldon (2000), Identity theory in Encyclopedia of sociology·ed.Ef Borgata ML Borgatta· Machmillan.